

ساختار و روند جمعیتی ایران

■ دکتر محمدجواد محمودی

رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی
آسیا و اقیانوسیه



شناخت ساختار روند جمعیتی ایران از گذشته تا حال و پیش‌بینی آینده آن از ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه امروز است. رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی از جمله افرادی است که در این مورد بیشترین مطالعه را انجام داده و تاکنون مصاحبه‌های فراوانی از ایشان منتشر شده و خود نیز صاحب تألیفات ارزشمندی در زمینه جمعیت و تحولات آن است.

دکتر محمودی در شهریورماه ۱۳۹۱ با حضور در رادیو، اطلاعات ارزشمندی را که حاصل سال‌ها مطالعه و پژوهش ایشان و همکارانشان بود در اختیار رادیو گذاشت. آنچه در ادامه می‌آید چکیده این اطلاعات است. ضمن سپاس و تشکر از ایشان امیدوارم این اطلاعات مورد استفاده مدیران و برنامه‌سازان رادیو قرار گیرد. مدیرمسئول

همانطور که می‌دانید بسیاری از کشورها در حالت عدم تعادل جمعیتی قرار دارند. کشورهای در حال توسعه با رشد بی‌رویه جمعیت، جوانی جمعیت، بار تکفل بالا و کشورهای توسعه‌یافته با منفی‌شدن رشد جمعیت و سالخوردگی جمعیت روبه‌رو هستند. بنابراین اکثریت کشورهای جهان به نوعی با مسائل ناشی از عدم تعادل جمعیتی مواجه‌اند. واضح است که ساختار کلی جمعیت یک اندام‌واره است که باید بین تمام بخش‌های آن نوعی تعادل پویا و تجدیدشونده برقرار باشد و نمی‌توان یک وضعیت جمعیتی ثابت و مفروضی را به عنوان یک وضعیت ایدئال در نظر گرفت. تغییرات جمعیتی علاوه بر اینکه از مؤلفه‌های جمعیتی ناشی می‌شود، از بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به مرور زمان در مسیر تحول کشورها رخ می‌دهد تأثیر می‌پذیرد.

برای حفظ تعادل پویای جمعیتی، تغییرات جمعیت باید به‌طور مداوم مطالعه و دورنمای تحولات جمعیتی ترسیم شود. در صورتی که مطالعات، احتمال خارج‌شدن جمعیت از حالت تعادلی خود را نشان دهند، سیاست‌های جمعیتی لازم باید اعمال شود.

کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت روی داده است. از این‌رو کاهش باروری عمومی زنان تا حد چهار نوزاد و میزان رشد طبیعی ۳/۲ درصد در سال ۱۳۹۰ مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود.

کاهش در سطح باروری در ایران همه طبقات و گروه‌های اجتماعی را دربر گرفته است. این کاهش به شهرها محدود نشده، بلکه در روستاها نیز باروری به شدت کاهش یافته است.

گذار جمعیتی

- گذار جمعیتی ناظر بر انتقال جوامع از یک الگوی کنترل طبیعی جمعیت، به کنترل ارادی جمعیت است.

- در تعادل طبیعی باروری و مرگ و میر هر دو بالاست، اما رشد جمعیت بسیار پایین. زمانی که کشورها مراحل انتقال را پشت سر گذاشتند، وارد مرحله تعادل ارادی می‌شوند.

- در این مرحله میزان باروری و مرگ و میر کاهش یافته و رشد جمعیت نیز بسیار کم می‌شود.

دو الگوی گذار جمعیتی

۱. گذار اول جمعیتی (انتقال از یک الگوی کنترل طبیعی باروری به کنترل ارادی) (سطح باروری به تدریج کاهش می‌یابد، اما بالاتر از سطح جانشینی است).

۲. گذار دوم جمعیتی (ون دوکا، ۱۹۸۶) (در این دوره باروری به زیر سطح جانشینی (میزان باروری کل کمتر از ۱/۲) می‌رسد و تداوم پیدا می‌کند).

مهم‌ترین مسائل و چالش‌های گذار اول جمعیتی

- رشد بی‌رویه جمعیت کشورها
- افزایش جمعیت زیر ۱۵ سال و بار تکفل ناشی از آن
- افزایش نیازهای بهداشتی به‌ویژه نیازهای کودکان و مادران
- افزایش جمعیت متقاضی آموزش عمومی

- اهمیت پیدا کردن خدمات تنظیم خانواده و کنترل موالید
- افزایش بعد خانوارها

مهم‌ترین مسائل و چالش‌های گذار دوم جمعیتی

- چالش‌های جمعیتی
 - چالش‌های فرهنگی - اجتماعی
 - چالش‌های اقتصادی
 - چالش‌های سیاسی - امنیتی
- اما نکته مهم این است که در حال حاضر با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستیم:

۱. بحران میزان باروری و تجدید نسل
۲. کاهش حجم کل جمعیت ملی

۳. بحران کاهش نیروی در سن کار
 ۴. بحران سالمندی جمعیت
 ۵. افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی
- بونگارت (۱۹۹۷) معتقد است که در پایان مرحله اول گذار جمعیتی رشد طبیعی جمعیت به سه شرط به رشد صفر و منفی میل می‌کند؛ این شروط عبارتند از:

۱. سطوح باروری به کمتر از سطح جانشینی میل کنند (میزان باروری کل کمتر از ۱/۲).

۲. ساختار سنی جمعیت به سالخوردگی میل کند.

۳. کاهش مرگ و میر متوقف شود.

نکات مهم در زمینه نرخ باروری در ایران

- نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ بیانگر این است که میزان باروری کل به حدود ۱/۸ فرزند کاهش یافته و شاخص باروری پایین‌تر از حد جانشینی (باروری کل پایین‌تر از ۲/۱ فرزند) در کشور فراگیر شده است.

- برخی از استان‌های کشور باروری پایینی را تجربه نموده‌اند.

- در سال ۱۳۸۵، چهار استان کشور میزان باروری بین ۱/۲ و ۱/۶ فرزند (تهران، گیلان، اصفهان و سمنان) و ۱۳ استان نیز باروری بین ۱/۷ و ۲/۱ فرزند داشته‌اند.

- میزان باروری کل در ۱۲ استان بین ۲/۱ و ۲/۴ فرزند بوده و تنها استان‌های

اگر سطح باروری مطلوب باشد، نه تنها حمایت‌های بین‌نسلی خانوادگی تقویت خواهد شد، بلکه فشار اقتصادی کمتری بر بخش‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی وارد خواهد آمد.

هرمزگان با میزان باروری کل ۲/۵ و سیستان بلوچستان با باروری کل ۳/۷ فرزند بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده‌اند.

- میزان باروری کل در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱/۷ فرزند برای هر مادر رسیده است.

در اینجا باید به سؤال مهمی پاسخ داد و آن اینکه آیا کاهش باروری در ایران موقتی است؟

• رویکرد متداول در نظریه انتقال جمعیتی این است که باروری به سطح جایگزینی (۲/۱ فرزند به ازای هر زن) می‌رسد و در آن سطح باقی می‌ماند. با سطح باروری در حدود سطح جانشینی، یک تعادل نسبی بین تولدها و مرگ‌ها برقرار می‌شود و رشد جمعیت به تدریج به حدود صفر می‌رسد.

• چنین جمعیتی به خاطر کاهش آهسته مرگ و میر به کندی پیر می‌شود و مشکل پیرشدن با این حقیقت که تعداد افراد در سن کار افت نمی‌کند، متعادل می‌شود.

• با این حال باروری تقریباً در همه کشورها وقتی به سطح جایگزینی می‌رسد، کاهش متوقف نمی‌شود و به شکل پیوسته‌ای کم‌شدن ادامه خواهد داشت. در موارد حد، مثل کره جنوبی، کاهش باروری به سرعت تقریباً به میزان نصف سطح جایگزینی افت کرده است. در شهرهای بزرگ چین مثل شانگهای، باروری به میزان ۰/۷ تولد به ازای هر زن تخمین زده شده است. اینها سطوح پایین باروری‌اند که اگر برای هر دوره زمانی برقرار شوند، آثار مخربی روی ساختار سنی خواهند داشت.

• به عبارت ساده، اگر باروری نصف میزان جایگزینی باشد (حدود یک کودک به ازای هر زن) تعداد نسلی که امروز متولد می‌شود (نسل اول) تنها نصف تعداد نسل والدین (نسل امروزی) است، و نسل سوم تنها ۰/۶ سال پس از نسل اول متولد می‌شود و یک هشتم حجم نسل امروزی را دارد.

• تنها در یک نسل، باروری بسیار کم روی اندازه و ساختار سنی نیروی کار آینده برای اقتصادی که تلاش می‌کند جمعیت به سرعت پیر شده‌اش را حمایت کند، آثار فلج‌کننده دارد.

• شواهد تاریخی جمعیت‌شناسی از کاهش باروری در جوامع مختلف نشان می‌دهد که کاهش باروری در ایران یک پدیده موقتی و زودگذر نیست.

• نشانه‌های باروری پائین زیر سطح جایگزینی در اواخر سال ۱۹۶۰ در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در اوایل سال ۲۰۰۰ در کشور ایران آشکار شد.

• در طول سال‌های متمادی، بسیاری از جمعیت‌شناسان بر این باور بودند که پیدایش باروری زیر سطح جایگزینی پدیده‌ای موقتی در اقتصادهای پیشرفته است که با ایجاد تغییرات در زمان تولد بچه‌ها ایجاد می‌شود. در دوره تأخیر در بچه‌زایی، میزان باروری مقطعی کاهش خواهد یافت.

• اگر تولدهای در سن‌های بالاتر زوجین با تأخیر رخ دهند، می‌توان انتظار داشت که میزان باروری بالا رود.

• در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جمعیت‌شناسان

اندازه‌گیری‌های باروری مقطعی را گسترش دادند که به شکل اجتناب‌ناپذیری نشان می‌دادند که سطح واقعی باروری از سطح فعلی در کشورهای با باروری کم، بالاتر است.

• هنگامی که زمان سپری شد و افزایش موردانتظار در باروری رخ نداد، سطوح تخمینی این میزان‌های موقت باروری به طرف پایین، اصلاح شدند و مورد بازبینی قرار گرفتند.

• برخلاف فرضیه روش‌های موقتی (Cross Sectional)، اثبات شد که تولدهای با تأخیر بنا دارند که هرگز رخ ندهند.

• تقریباً تمام اقتصادهای پیشرفته، پدیده تأخیر در بچه‌زایی را تجربه کرده‌اند ولی همه آنهایی که میزان‌های باروری بالای ۱/۵ تولد به ازای هر زن را دارند، جوامعی هستند که شرایط اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی آنها به طرف حمایت از خانواده هدایت شده است.

• حدود نیم قرن است که میزان باروری در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته زیر سطح جایگزینی باقی مانده و حالا هم به شکل قابل توجهی زیر سطح جانشینی است.

• حتی با وجود این واقعیت درک‌شده که زاد و ولد بسیار پایین، ضرورتاً یک پدیده موقتی نیست، دولت‌های اروپایی در انتخاب سیاست‌ها و راهکارهای مناسب برای حمایت از داشتن فرزندان، به کندی عمل کرده‌اند.

یک مصداق تاریخی در زمینه علت تأخیر دولت در سیاست‌گذاری در زمینه باروری پایین (آلمان)

- بعد از چهل سال، میزان باروری آلمان زیر سطح جایگزینی باقی مانده و حالا هم به شکل جدی زیر سطح جانشینی است. حتی با وجود این واقعیت درک شده که زاد و ولد بسیار پایین، ضرورتاً یک پدیده موقتی نیست، دولت در انتخاب سیاست و راهکار برای حمایت از داشتن فرزندان، به کندی عمل کرد.

دلایل بسیاری برای این مسئله وجود

داشت:

- برای برخی حمایت از افزایش جمعیت به مثابه گذشته فاشیسم و حمایت از سیاست اصلاح نژادی بود.

- حمایت از افزایش جمعیت گاهی به‌عنوان شکست بخشی از بانوان در انجام وظیفه ملی‌شان و یک حرکت ضدفمینیستی محسوب شد.

- نیز مطرح می‌شد که در یک جهان پر جمعیت که با مشکلات محیطی زیادی روبه‌روست، زاد و ولد پایین می‌تواند سودمندی بیشتری داشته باشد، و مهاجرت می‌تواند به عنوان جایگزینی برای سیاست افزایش جمعیت مطرح شود.

همچنین، حمایت‌کنندگان پیشگام دولتی افزایش جمعیت، به‌عنوان کسانی توصیف می‌شدند که به حقوق یا حریم خصوصی افراد در تعیین آزادانه تعداد بچه‌هایی که خود افراد می‌خواهند، تعرض نموده‌اند.

توصیه: با توجه به مطالب فوق‌الذکر و تجربه جهانی در این زمینه و زمان‌بر بودن اثر سیاست‌ها بر تغییرات جمعیتی توصیه می‌شود با توجه به اینکه ضرورت تجدید نظر سیاست‌گذاری در حوزه جمعیت اجتناب‌ناپذیر شده است، در این امر تعلل نوزند و با جدیت و بدون واگم از هزینه‌بر بودن موضوع، اقدامات سیاستی لازم به عمل آورند.

کاهش حجم جمعیت ملی

- نتایج پیش‌بینی‌های اخیر سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ در مورد تحولات باروری نشان می‌دهد که در هر سه سناریو (پایین، متوسط و بالا) تا سال ۱۴۲۰ سطح باروری ایران به سطح جانشینی افزایش نخواهد یافت.

- تغییرات حجم جمعیت ایران بر اساس سناریوهای سازمان ملل، نیز تا ۱۰۰ سال آینده نشان می‌دهد که در صورت ادامه روند کنونی کاهش باروری بر اساس سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۵/۳۸ درصد، در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱ میلیون نفر با

شاخص سالخوردگی ۵/۴۷ درصد و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۴/۴۷ درصد کاهش خواهد یافت.

همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص سالخوردگی ۹/۳۶ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر (با شاخص سالخوردگی ۷/۳۴ درصد) کاهش خواهد یافت.

- با توجه به اینکه در رابطه با پیش‌بینی‌های بلندمدت جمعیتی انتقادهای پرسش‌هایی مطرح شده است، جهت روشن‌شدن مطلب و موضوعیت اعتبار اینگونه پیش‌بینی‌ها در ادامه این گزارش مطالبی ذکر شده است.

در چه شرایطی پیش‌بینی‌های جمعیتی بلندمدت از اعتبار بیشتری برخوردار هستند؟

مماس‌شدن شاخص‌های جمعیتی بر محور زمان

در شرایطی که یک جمعیت مراحل اول تا سوم گذار جمعیتی را تجربه می‌کند، سطوح و روندهای باروری، مرگ و میر در شرایط بی‌ثباتی قرار دارند. این دو مؤلفه حیاتی که مهم‌ترین مؤلفه‌های پیش‌بینی جمعیت هم محسوب می‌شوند، تغییرات بالایی را تجربه می‌کنند. در این شرایط پیش‌بینی‌های جمعیتی بسیار مشکل بوده و ممکن است نتایج کاملاً نامعتبری را به دست دهند.

اما همین که به مراحل نهایی گذار جمعیتی نزدیک‌تر می‌شویم و آهنگ تغییرات شاخص‌های باروری و مرگ و میر ملایم می‌شود، پیش‌بینی‌های جمعیتی از صحت بیشتر برخوردار می‌شوند. در این حالت جمعیت‌شناسان از مماس‌شدن شاخص‌های جمعیتی بر محور زمان یاد می‌کنند. مماس‌شدن شاخص‌ها بدین معناست که در مراحل نهایی گذار جمعیتی یعنی زمانی که باروری به سطح جانشینی نزدیک و امید زندگی نزدیک به ۷۵ سال می‌شود، تغییرات آنها بر محور زمان با

پیدایش باروری زیر سطح جایگزینی پدیده‌ای موقتی در اقتصادهای پیشرفته است که با ایجاد تغییرات در زمان تولد بچه‌ها ایجاد می‌شود. در دوره تأخیر در بچه‌زایی، میزان باروری مقطعی کاهش خواهد یافت.

ثبات و بسیار کند و تدریجی می‌شود. در چنین شرایطی تدوین سناریوها و مفروضات باروری و مرگ و میر راحت‌تر است و پیش‌بینی‌های جمعیتی حتی در دوره‌های زمانی بلندمدت‌تر نتایج بهتری را به‌دست می‌دهند.

الگوشناسی روندهای جمعیتی با توجه به نظریه سری‌های زمانی

به‌طور کلی در تحلیل‌های سری‌های زمانی چهار الگوی تغییرات را می‌توانیم در نظر بگیریم:

الف) تغییرات نامنظم

ب) تغییرات فصلی

ج) تغییرات دوره‌ای

د) تغییرات صعودی- نزولی منظم

اگر به شاخص‌های جمعیتی از جمله باروری و مرگ و میر نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که تغییرات اینگونه شاخص‌ها از نوع تغییرات صعودی- نزولی منظم است. مثلاً اگر برخی از نوسانات موقتی باروری و مرگ و میر در برخی از شرایط زمانی خاص جوامع کنار بگذاریم، روند تغییرات

باروری و مرگ و میر در مسیر گذار جمعیتی نزولی بوده است، تجربه تحولات جمعیتی جوامع شاید به ندرت جامعه‌ای نشان دهد که بعد کاهش بلندمدت باروری، افزایش‌های باروری قابل توجهی را تجربه کرده باشد. در مورد مرگ و میر این الگو با کمی تفاوت وجود دارد تا زمانی که جمعیت‌ها در مسیر گذار جمعیتی اول هستند مرگ و میر از یک الگوی باثبات کاهنده پیروی می‌کند و همین که یک جمعیت وارد گذار جمعیتی دوم می‌شود، الگوی نزولی مرگ و میر تبدیل به الگوی صعودی بادوام و تدریجی و آرام می‌شود. این تغییر روند مرگ و میر، اساساً به علت سالخوردگی جمعیت و انباشتگی مرگ در سنین بالای ۶۵ سال است. لذا در این شرایط می‌توان گفت در شرایط طبیعی پیش‌بینی‌های جمعیت بلندمدت هم بیشتر قرین به صحت خواهند بود. مطالب ذیل مبانی و مفروضات چهار سناریوی سازمان ملل است.

- با توجه به اینکه در صورت افزایش باروری و به تبع آن مواجه شدن با پنجره جمعیتی (موهبت جمعیتی) با افزایش افراد در سن کار روبه‌رو می‌شویم راهکارهای

ذیل برای ایجاد اشتغال توصیه می‌شود:
- کاهش مداوم باروری موجب کاهش شمار افراد وارد شده در نیروی کار می‌شود. به تدریج که نیروی کار کم شود پنجره جمعیتی هم بسته می‌شود و حاشیه رقابتی در یک اقتصاد جهانی از طریق یک نیروی کار پیر و تحلیل رفته قابل دستیابی نیست.

- فراوانی نیروی کار در صورتی می‌تواند برای اقتصاد کشور مؤثر باشد که نیروی کار ارزان و در دسترس باشد.

- نیروی کار در کشورهای در حال توسعه فراوان است، اما فراوانی نیروی کار به معنی ارزانی آن نیست.

- افزایش نرخ سود بانکی فرصت خوبی است، چون در ایران نیروی کار فراوان داریم و با کمبود سرمایه مواجه هستیم و برای استفاده بهینه از عوامل تولید باید اجازه بدهیم که پاداش عوامل تولید با توجه به شرایط اقتصادی مشخص شود. افزایش نرخ سود بانکی که در حال حاضر اتفاق افتاده، می‌تواند موتور محرکه این موضوع باشد. بدین معنی که به علت کمبود منابع سرمایه‌ای پاداش عوامل تولید سرمایه افزایش یافته است. البته باید توجه داشت

تقریباً تمام اقتصادهای پیشرفته، پدیده تأخیر در بچه‌زایی را تجربه کرده‌اند ولی همه آنهایی که میزان‌های باروری بالای ۱/۵ تولد به ازای هر زن را دارند، جوامعی هستند که شرایط اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی آنها به طرف حمایت از خانواده هدایت شده است.



که نباید بدون افزایش بهره‌وری نیروی کار نسبت به افزایش دستمزدها در وضعیت فعلی ایران اقدام نمائیم (البته دستمزد نباید از حداقل معیشت کمتر باشد). در غیر این صورت موهبت ارزان بودن نیروی کار از بین می‌رود و افزایش نیروی کار، اقتصاد کشور را با چالش‌های فراوان مواجه خواهد کرد.

سالمندی جمعیت

افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی
- در اثر کاهش باروری جمعیت در سن کار کاهش یافته، و کشورها برای تأمین نیروی کار خود سیاست‌های مهاجرپذیری را در پیش می‌گیرند.
- مهاجران وارد شده به هر کشور ساختار فرهنگی و اجتماعی آن را دچار تغییرات اساسی می‌کنند.

چالش‌های فرهنگی - اجتماعی

۱. بحران ساختاری خانواده
۲. شکاف‌های نسلی در اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل‌ها
۳. جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان

۴. کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی
زمانی که جوامع وارد دومین انتقال جمعیتی می‌شوند، نظام ارزشی و نگرشی آنها به‌ویژه در زمینه ازدواج، تشکیل خانواده و ارزش فرزندان تغییرات اساسی می‌یابد. در این مرحله شکل سنتی تشکیل خانواده، تعریف سنتی نقش زنان و مردان در خانه و تعهدات و قیود خانوادگی نیز تغییر خواهد کرد، و این به علت حضور بیشتر زنان در آموزش و اشتغال و شیوع ارزش‌های اجتماعی طبقه متوسط غرب در جوامع در حال توسعه است.

بحران ساختاری خانواده

در مراحل پایانی گذار جمعیتی با افزایش تعداد جمعیت سالمند مواجه خواهند شد، و کاهش جمعیت در سنین میانی و جوان‌تر، بخش عظیمی از جمعیت‌های سالمند بدون پشتوانه خانوادگی و حمایت بین نسلی خواهند ماند.
- اما اگر سطح باروری مطلوب باشد،

نه تنها حمایت‌های بین‌نسلی خانوادگی تقویت خواهد شد، بلکه فشار اقتصادی کمتری بر بخش‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی وارد خواهد آمد.
در گذار دوم جمعیتی:

- به هم خوردن توازن جمعیتی نسل‌ها از یک‌سو و تغییرات هنجارهای فرهنگی و ترویج عقلانیت اقتصادی از سوی دیگر، مسئله شکاف نسلی را تشدید خواهد کرد.
- یکی از کارکردهای اصلی خانواده در گذشته حمایت از اعضا به‌ویژه سالمندان بوده است. اما در دوره گذار دوم چترهای حمایتی خانواده به تدریج جمع می‌شود.

- امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، خانواده به یک منبع ثانویه برای حمایت از سالمندان تبدیل شده است. برای نمونه، در سال ۱۹۲۰ در ایالات متحده آمریکا، سهم جمعیت بیوه‌زنان سالمند که با فرزندان‌شان زندگی می‌کرده‌اند، ۶۷٪ بوده که به ۲۰٪ در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت.

- تنها ۲/۷ درصد از جمعیت واقع در سنین ۶۰ سال به بالا در آمریکا حمایت فرزندان خود را به عنوان منبع مهم درآمد در سال ۲۰۰۱ ذکر کرده‌اند. در ژاپن،

برای حفظ تعادل پویای جمعیتی، تغییرات جمعیت باید به‌طور مداوم مطالعه و دورنمای تحولات جمعیتی ترسیم شود.

جایی که حمایت بین نسلی به‌طور سنتی نقش مهم‌تری را بازی می‌کند، قسمتی از جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر که فرزندان‌شان را به‌عنوان منبع اصلی حمایت ذکر کرده بودند، از ۸/۲۹٪ در سال ۱۹۸۱ به ۱۲٪ در سال ۲۰۰۱ افت کرده است.

پاتنام (۱۹۹۳) تمام ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان‌ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی را «سرمایه اجتماعی» نامیده است. سرمایه اجتماعی محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی است.

کولمن سرمایه اجتماعی را قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر می‌داند.

فاصله گرفتن تدریجی افراد از شبکه‌های اجتماع‌محور؛ ماهیت سرمایه اجتماعی را تغییر خواهد داد. ترویج روابط عاطفی فردگرایانه، انسجام اجتماعی و سرمایه شبکه‌های اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد.

- یکی از عوامل اصلی رکود اقتصادی کنونی در غرب که نموده‌ها و علائم آن در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی از اواخر دهه ۱۹۹۰ مشخص بود، تجربه تغییرات جمعیتی در این کشورها طی ۵۰ سال گذشته قلمداد شده است.

- از نگاه جمعیت‌شناسی، یک جمعیت در حال رشد و جوان احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد. علاوه بر آن افزایش تقاضا برای امکانات، مسکن، املاک و مستغلات در این جوامع بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر گسترش بازار برخلاف عصر حاضر با حداقل هزینه اتفاق خواهد افتاد.

- با افزایش نیازهای متعدد جمعیت در حال رشد، باید مردم بیشتری هم به کار گرفته شوند تا کالاها، خدمات و نیازهای جمعیتی را تدارک ببینند.

- کشورهای اروپایی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ این وضعیت جمعیتی را تجربه کرده‌اند، اما سال ۲۰۰۰ میلادی با سال‌های پایان نسل انفجار مولید (۱۹۶۶-۱۹۴۷) در اروپا مقارن بود.

- در واقع سطح باروری نسل انفجار

موالید (Baby Boom) بسیار کمتر از والدینشان بود. و لذا بازار با سیر نزولی و کاهنده تقاضا مواجه شد و جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش یافت.

- این تغییر جمعیتی از دیدگاه برخی جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد بحران اقتصادی قرن اخیر در اقتصاد آمریکا و اروپا قلمداد شده است.

سیاست‌مداران فرانسوی در سال ۱۹۳۰ به این نتیجه رسیدند که به دلیل کاهش جمعیت‌شان، نیازمند احیای تسلیحات مدرن نظامی و در نتیجه کنار گذاشتن استفاده از تسلیحات خط ماگینوت (Mag- inot Line) هستند. پائول رینولد، وزیر دولت وقت فرانسه، معتقد است که "تنها یک عامل وجود دارد که بر همه موارد مسلط است و آن عامل جمعیت است".

مشکلاتی از این دست تنها منحصر به فرانسه نبود. طی دهه ۱۹۳۰، آلمان به رهبری نازیسم و اتحاد جماهیر شوروی به رهبری استالین به دلایل کاملاً نظامی و راهبردی، سیاست‌هایی قوی در جهت افزایش میزان باروری اتخاذ کردند.

در آمریکا تلاش می‌شد تا چنین مسائلی پنهان بماند. معدودی از حامیان آن (عمدتاً از راست‌های جدید) بر این عقیده بودند که غرب، هم به لحاظ شرایط نظامی و هم اقتصادی در حال «خودکشی تدریجی جمعیتی» (Demographic suicide) است.

- از پطرفدارترین این دیدگاه «بن واتین برگ»، روزنامه‌نگار محافظه‌کار سیاسی یکی از بنگاه‌های اقتصادی آمریکا، در کتابی تحت عنوان **قحطی تولد** که خود نویسنده از آن با نام «نشانه‌های هشداردهنده» یاد می‌کند، معتقد است که سطح باروری بالا در بسیاری از کشورهای کمونیستی صنعتی جهان تا ۲۰۸۵ منجر به برتری و سلطه آنها بر غرب خواهد شد. **پیش‌بینی جمعیت کشور در صورت افزایش سطح باروری تا میزان باروری کل ۲/۵**

- چون موضوع رشد جمعیت مسئله‌ای ساختاری است، به تدریج و همراه با تغییرات در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه امکان تغییر سطح باروری به وجود می‌آید، بنابراین امکان افزایش جمعیت صرفاً با بسته‌های تشویقی، بدون ایجاد تغییرات ساختاری وجود ندارد.

- با فرض مؤثر بودن بسته‌های تشویقی دولت، جدول فوق تنظیم شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۴۱۰ باروری کل به حدود ۱/۲ (سطح جانشینی) می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۲۵ به ۵/۲ فرزند افزایش یابد. بنابراین به هیچ وجه صرفاً مشوق‌های جمعیتی، باعث افزایش افسارگسیخته جمعیت نخواهد شد.

- با توجه به تجربیات بین‌المللی با لحاظ موارد زیر، سیاست‌های افزایش باروری دولت اثربخش خواهند بود:

الف) تغییرات در همه نهادهای اجتماعی و همگرایی نهادی

سیاست‌گذاری برای جلوگیری از باروری بسیار پایین نیاز به تغییرات اساسی و وسیع دارد و این تغییرات بنیادی باید در همه نهادهای اجتماعی صورت پذیرند. به‌طور کلی، ادراک‌ها و یا همان معانی سمبلیک می‌توانند بیشتر اثرگذار باشند و عوامل اقتصادی به‌طور مستقیم بر روی زاد و ولد اثر کمی دارند.

ب) **جامعیت و فراگیری سیاست‌ها**
سیاست‌های بخشی، اثر اقتصادی کمی روی زاد و ولدها دارند، اما اثرگذاری آنها زمانی قابل توجه می‌شود که با ادراک‌های جوانان از کفایت سطوح کلی حمایت فرهنگی - اجتماعی برای افرادی که فرزند دارند، همراه باشد.

ج) **حمایت از خانواده**
رویکردهای سیاستی برای باروری بسیار پایین باید از ارزیابی سیاست‌های حمایت از خانواده و فعالیت‌هایی استخراج شود که به‌طور روشن با باروری پایین موافق است. - آثار سیاست‌ها در درون کشور و سایر کشورها مورد رصد و شناسایی قرار گیرد. - انتظار می‌رود که هر سیاست اصلاحی

جامع، باید ترتیبات نهادی موجود را در زمینه‌های خاص جوامع در نظر بگیرد.

- سیاست‌های اصلاحی باید پایه‌ها و اصول سیاست‌گذاری‌های گذشته را نقد و ارزیابی کند.

د) بازگشت به الگوی خانواده اصیل اسلامی - ایرانی

ترویج ارزش‌ها و هنجارهای خانواده متوسط غربی یکی از علل اصلی باروری پایین محسوب می‌شود. بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی - ایرانی و بازشناسی شاخصه‌های اصلی این الگوی خانواده برای جامعه ما باید در دستور کار قرار گیرد.

ه) حمایت‌های اقتصادی

- با توجه به جامعیت اصلاحات مورد نیاز، و سطوح پایین حمایت خانواده در کشورهای با زاد و ولد پایین، می‌توان انتظار داشت که سیاست‌های مؤثر برای افزایش باروری برای دولت‌ها گران تمام شود.

- بسته به شرایط جوامع، چنین خط‌مشی‌هایی احتمالاً باید هنجارها و ارزش‌های اجتماعی موجود را تغییر دهند. - اینها موانع اصلی‌اند، بنابراین اینکه دولت‌ها در عملکردشان بسیار کند عمل می‌کنند، شگفت‌آور نیست.

پیشنهادها

۱. برقراری الزامات کافی برای مدیریت (جامع، منسجم، تخصصی و همسو) جمعیت کشور شامل: برنامه‌ریزی، رصد و پایش، هماهنگی، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و ارزیابی
۲. انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت و جلوگیری از بروز عواقب پیش‌گفته
۳. تدوین سیاست‌های جامع جمعیتی
۴. تدوین سیاست‌های تنظیم خانواده هوشمند با توجه به الگوهای افتراقی سطح باروری و رشد جمعیت در مناطق مختلف کشور.